

## يك نابغه بزرگ ایرانی



محمد زکریای رازی پزشک نامی ایرانی در آزمایشگاه خود<sup>(۱)</sup>

مورخین نیست آنچه مسلم است این است که تابعان آنطور که باید مقام و اهمیت این مرد بزرگ بر ما معلوم نگردیده بعلم آنکه برای این منظور تسبیح و تحقیق و مطالعه در کتب و رسائل و تألیفات مشارالیه و مقایسه معلومات آن زمان با طب و معلومات کنونی بعمل نیامده و اغلب کتب و نسخ وی در طی بیش از صد سال ناگوار از بین رفته است.

اما آنچه که از وی باقی مانده است دلیل بر بزرگی و اهمیت فوق العاده این مرد بزرگوار میباشد که در تمام ادوار تمدن کمتر مثل و مانند آن دیده شده است. اینک ما در این مقاله فقط مختصری از مقام وی در پزشکی گفتگو نموده و راجع به شرح حال و مقامش در شیمی بحث را به وقت دیگر محول می‌نمائیم.

در باب مقام و اهمیت وی در طب اغلب مورخین خاور و باختر در کتب خود مطالبی ذکر کرده و بر او طبیب بزرگ نام داده اند. اینک من باب مثال چند شاهد از مورخین مذکور ذکر می‌کنیم:

ابن التیمی صاحب کتاب (النهیست) گوید: «ابوبکر محمد زکریای رازی اصلاً از ری بوده و در زمان خود بگانه و فرید عصر محسوب میگردد و جمیع معلومات قدما و خصوصاً طب را جمع کرده است.»

مجدداً در مقاله دهم کتاب خود ضمن مبحث صنعتگران و کیمیاگران مینویسد: «رازی محمد بن زکریا که مقامش در علم فلسفه و طب معروف و مشهور است . . . .»

جمال‌الدین قفلی صاحب تاریخ حکما گوید: «رازی مردی باهوش و

رازای پزشک نامی سرزمین ما از دوران قدیم الی حال توانمی داشته که دلبای متمدن بدان فخر و مباهات مستوده و نام آنها در شرق و غرب به بزرگی و جلالت قدر مشهور بوده است. ما نمی‌خواهیم شرح حال دانشمندان ایرانی و اثراتشان در تمدن جهان بپردازیم و اگر بچنین کاری دست بزنیم سالها وقت لازم است که حق این مطلب ادا گردد فقط در این موقع که مفاخر این سرزمین و خدمتگذاران حقیقی این آب و خاک و تمدن ایرانی یکی پس از دیگری بمردم ایران شناسانده میشوند و بحکم ایران امروزه در این امر سعی وافق دارد مابین خدمت بفرهنگ یکدیگر از این نواخ را به خوانندگان گرامی جمله معرفی می‌نمائیم. این معرفی از کیست؟ پاسخ پرسش فوق‌سوره آسان ولی معنای بسیار مشکل است زیرا برای ادای حق چنین کسی که از آن سبب خواهد شد یک هزارم زحماتش را نیز نخواهیم توانست بیان داشت معذرتاً با جرأت قدم در این راه گذاشته دل را بدریامیزیم و می‌گوییم: این شخص محمد زکریای رازی پزشک نامی ایرانی است که در جهان پزشکی جلالت قدرش برتر از جمیع پزشکان زمان خود و در آسمان تمدن اسلامی ایرانی از ستارگان درخشان قدر اول بوده است.

رازی در موقعی که تمدن اسلامی در عالم پراکنده بوده مبنای بسیاری از علوم را درک کرده و خود شخصاً بر آنها اضافات و تشعباتی نموده که قرنها آن اصول تغییر نکرده است علاوه بر جنبه پزشکی که تقریباً تمام عمر خود را بدان مصروف داشته شیمیست عالی‌رانی نیز بوده است چنانکه بسیاری از دانشمندان و مورخین باختر این مرد بزرگوار را باسم شیمیست میشناسند.

بدبختانه از احوال این دانشمند عالم‌مقام بیش از چند صفحه در کتب

مهربان نسبت به بیماران و کلردان در درمان آنان و صاحب نظر در غوامض و مشکلات طب و کشف حقائق و اسرار این علم بوده است . . . . .

این خلدون اثبیلی در کتاب خود گوید: «در اسلام در صنعت طبابت بزرگان و پیشوایانی ممتاز بوده اند مانند رازی . . . . .»

نظامی عروضی سمرقندی در کتاب چهار مقاله در مقاله چهارم در علم طب و هدایت طبیب بعموم توصیف خواندن کتب رازی را نموده است . . . . .

عقاید مورخین مورخین اروپایی نیز مانند مورخین مشرق دریاب محمد باغتر در باره زکریای رازی عقیده مند میباشند که وی پایه بزرگ رازی و طبیب عالی مقامی است .

دکتر ماکس نوبی یورگر آلمانی در کتاب خود که در تاریخ طب نگاشته بر این عقیده است که رازی بزرگترین طبیب عالم اسلام میباشد و نمیتوان کسی را بالاتر از آن دانست .

کاستیکلیونی ایتالیایی استاد تاریخ طب رازی را امیر پزشکان زمان خود نام نهاده است .

این شخص گوید: «در دوره درخشان تمدن اسلامی نویسنده که قرنها کتب و کارهایش در عالم طب مورد مطالعه بوده محمد زکریای رازی است.»

در دائرة المعارف اسلامی دریاب محمد زکریای رازی بدین شکل اظهار نظر میشود: «محمد زکریای رازی طبیب و شیمیست و فیلسوف مشهور»

و باز جای دیگر درباره رازی مینویسد: «قبل از هر چیز باید بحق و از روی استحقاق رازی را بزرگترین پزشک اسلامی نام داد . . . . .»

منقول است که علاوه بر هنرها و معلومات دیگری که رازی داشته جنبه طبابتش بیشتر بوده است .

شاد روان پروفیسور ادوار برون مستشرق ایران دوست معروف در کتاب خود موسوم به «طب عرب» چنین بیان مینماید: «... آنگونه که مسلم و واضح است آنکه ابوبکر محمد زکریای رازی در طب بالاتر از ابوعلی سینا که از او مشهورتر است بوده و محتمل است بزرگترین طبیب عالم اسلام باشد . . . . .»

دکتر دونالد کامبل انگلیسی در کتاب معروف خود در ارجاع به «طب عرب و نفوذش در قرون وسطی» در باب رازی چنین گوید:

«باز کر نام رازی باهتر بگوئیم ابوبکر محمد بن زکریای رازی به کاملترین دوره طب عرب میرسیم وی بزرگترین و مشهورترین و شاید زبردست ترین نویسنده ایست که طریقه و افکار بقراط و جالینوس را بسیار خوب شرح داده است.»

در کتاب «زندگی علماء مشهور» و کتاب «متفکرین و بزرگان اسلام» نام رازی را بسیار جلیل القدر ثبت کرده اند .

دکتر مونیبه در کتاب خود بنام «تاریخ طب» رازی را بزرگترین طبیب اسلام نام داده است .

در باب مقام بزرگ رازی چنانکه بیان گردید مورخین شرق و غرب بک

کلمه میباشند و بدین مناسبت اخیراً برای تجلیل این دانشمند بزرگ ایرانی سخن رانی هائی در اروپا ایراد گردیده است منجمته سال ۱۹۱۳ در لندن کنفرانسی «در باب زندگانی و کارهای رازی» در کنفرانس بین المللی طب تشکیل گردید و ک - س - آ . رنکینس مقام وی را در طب و طبابت بسیار عالیشان بیان نمود .

آقای م - پ منتریه در جشن هزارمین سال رازی در پاریس در ضمن سخنرانی «طب عرب و اثر آن در تاریخ و نفوذش در طب فرانسه» رازی را بنام طبیب بزرگ نام داده است .

دکتر دنو در جشن هزارمین سال رازی در پاریس سال ۱۹۳۲ چنین گوید: «... در باب جشن هزاره ابوبکر محمد زکریای رازی بزرگترین طبیب ایرانی قرن دهم میلادی که آرا بنام «رازس» میشناسیم . . . . .»

باز کر مطالب فوق معلوم گردید که بدون اغراق رازی یکی از بزرگترین پزشکان جهان و از مفاخر ایران است .

حال که از نظر تاریخ و عقاید و افکار مورخین مطلب فوق بیان شد لازم دانستیم مختصری از آثاری که این دانشمند از خود در طب بیادگار گذاشته تذکر دهیم .

در این باب مقدمه ای ذکر نمی نمائیم همینقدر می گوئیم آثاری که از رازی بیادگار مانده بسیار است و ما به چند نکته از مختصات وی که در طب از خود باقی گذارده با توجه باینکه قبل از وی در جهان پزشکی نبوده است می پردازیم و بقیه را به بعد واگذار می کنیم .

۱ - رازی اول کسی است که در هزار و اند سال پیش رازی و تاریخچه بیماریها

طریقه گزارش حال بیمار و تاریخچه بیماری را با توجه بسابقه خانوادگی و مرض و سایر علل و اسباب مربوط بآن چنانکه امروز در بیمارستانهای جهان معمول است مجری داشته و افتخار این ابتکار و فضل بی بردن باین نکته اساسی را برده است .

البته دلیل همین کشف مهم را باید دلیل بر هوش سرشار و قریحه عالی مقدار رازی و خدمت بزرگی بعالم پزشکی دانست .

رازی گوید: «بر طبیب لازم است که از پریش بیماری دست بردارد یعنی از هر چه که احتمال می رود علت بیماری باشد چه علل خارجی و چه داخلی بک بک راپریش نماید و پس از آن هر چه در نظرش قوی تر است بر آن حکم کند.»

عده تاریخچه هائی که رازی بر روی مشاهدات شخصی خود برشته تحریر در آورده متعدد است اینک برای نمونه یکی از این تاریخچه ها را در زیر مینگاریم .

تاریخچه بیمار رازی گوید: «عبدالله پسر سواده به حمله های تبی هر روز و گاهی بک در میان مبتلا بود و این حملات با لرز مختصر و زیادی ادرار شروع میگردد چنین تصور کردم هر چه زودتر

این تب ها به چهار روز در میان مبدل گردد یا آنکه ممکن است بیمار زخمی در کلیه داشته باشد و پیش از آنکه فاصله زیادی پیدا کند چرک و فساد از مجرای ادرارش خارج شد بدین مناسبت بیمار را از عدم عود تب ها آگاه نمودم و چنین شد فقط تنها چیزی که مانع از بیان نظریه قطعی بود که چه نوع تبی است اینکه بیمار از درد کلیه بسیار در زحمت بود بدلیل آنکه قبل از تب يك در میان و سایر انواع تب های مختلفه درد شدید در ناحیه کمر احساس میشود و بمناسبت کثرت ادرار گمان من قوی شد که تب مختلط ممکن است از ماده فسادى باشد.

باز رازی گوید: «فراموش کردم از مرض سؤال کنم که آیا در موقع ایستادن ناحیه کمرش مانند بار سنگینی بر او افتاده است بیمار نیز از این موضوع اظهارى نمود ادرار زیاد مرض مرا به جراحت کلیوی متوجه کرد.

پس وقتی که چرک خارج شد غذای مدد برای او تجویز نمودم تا اینکه مجرای بولش از فساد خالی و پاک شد سپس با داروهائی دیگر او را معالجه نمودم و مرض از این علت خلاص شد تا آنکه پس از مدتی سلامت گردید.

پس از آنکه بهبودی یافت جراحت جزئی دیگر در بیمار حدس زدم و این مسئله بواسطه آن بود که از سنگینی کمر چیزی بمن نگفت اما پس از تمام شدن از او سؤال نمودم آیا علامتی از آن دیده است یا نه گفت آری در صورتی که به اطباء دیگر که مراجعه و مشورت نموده بود از اصل قتیبه چیزی درک نموده بودند سهل است پس از آنکه چرک از مجرای ادرارش خارج شده بود نیز چیزی نفهمیده بودند...»

از این تاریخچه چنین بر می آید که رازی ابتدا تصور می نموده است که بیمار مبتلا به توبه میباشد و حق هم داشته و اصولاً در ایران چون تب نایب بیش از سایر اقسام تب ها وجود دارد از این جهت حدس زده میشود که مرض ممکن است مبتلا به توبه باشد ولی چون در ادرار بیمار چرک مشاهده نمود تشخیص چرک در کلیه و یا ضامم آن میدهد و پالنتیجه با کمال

مهارت و حذاقت بیمار را معالجه میکند.

رازی و بیمارستان ۲- برتری و مزیتی که رازی بر بسیاری اطباء زمان خود داشته و پس از خود در عالم طب به یادگار

گذاشته است و از مختصات طبایش میباشد چنانکه امروزه نیز در جمیع بیمارستانهای جهان بر قرار است یاد داشت های روزانه از کارها و عملیات و احوال و گزارش بیمارستان است که در بیمارستان بغداد وری مرتباً نگاشته و کلیه حوادث و اتفاقات مهمه و مشاهدات مفیده را همانطور که امروزه در تمام بیمارستانهای دنیا معمول است ثبت نموده و با اصطلاح امروز روزنامه و قایم داشته که شرح بسیاری از اتفاقات و تاریخچه های مهم بیمارستان خود را در آن به تفصیل مینویشته است. و کتاب «حاری» معروف وی در حکم دائرة المعارفی است که نتیجه زحمات و تجربیات شخصی او را که سالهای متمادی بدان مشغول بوده دربردارد. بدین دلائل رازی قابل مقایسه با اطباء قبل و پزشکان پس از خود میباشد و بتمام معنی طبیب بوده است.

چون رازی بیشتر وقت خود را معرّف بیمارستان نموده بدین مناسبت است که عموم مورخین وی را طبیب عادی نام نداده بلکه «پزشک بیمارستانی» گفته اند و عموم مورخین بر این موضوع يك کلمه میباشد چنانکه جمال الدین قفلی در کتاب تاریخ حکماء او را به همین عنوان خطاب نموده است.

ابن خلیکان نیز در کتاب خود گوید: «وی بیمارستانی و سپس بیمارستان بغداد را اداره نموده است.»

مورخین اروپائی و نویسندگان تاریخ طب نیز بعقیده فوق میباشدند و با اصطلاح امروزی وی را طبیب کلینیکی نام نهاده اند چنانکه کاستیکلیونی در کتاب تاریخ طب خود و برادر مسته اطباء عملی زمان خود و شارح امراض نام

سایر مزایا و مختصات رازی را امیدواریم در شماره های آینده بنظر

مخاطبان گرامی مجله برسانیم. تهران آذرماه ۱۳۱۹

دکتر جمودنجم آبادی.

